

چگونگی ارتقای جایگاه گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری در ایران

(با رویکرد به نقصان دستور کار ۲۱ مصوب سازمان ملل متحد در عدم توجه به امر تنوع فرهنگی)

سعید حقیر *

یلدا شوهانی‌زاد **

چکیده

گورستان در اکثر شهرهای امروز ایران، به فضاهایی باز در مقیاس‌های کلان و خارج از شهرها تبدیل شده است؛ همپای این امر، گورستان‌های تاریخی درون شهرها نیز به گونه‌ای متروک به حال خود رها شده است و اثری از پویایی فضای شهری در آنها دیده نمی‌شود. این در حالی است که به نظر می‌رسد فضای شهری با عملکرد گورستان، پتانسیل‌های فراوانی را از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی دارا است. از آنجایی که توسعه پایدار شهری از دهه ۸۰ قرن بیستم در بسیاری از شهرهای جهان مطرح شده است و به تبع آن در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته و در اهداف برنامه آتی مطرح است، لذا مسئله روند متروک و فرسوده‌شدن گورستان‌های درون‌شهری در شهرهای ایران، و همچنین تک و کلان‌گورستانی شدن در آنها، به عنوان یکی از موانع دستیابی به توسعه پایدار شهری، امری قابل توجه و تأمل برانگیز به نظر می‌رسد. روش مورد استفاده در این مقاله، راهبرد تحقیق کیفی با رویکرد نظریه‌های زمینه‌ای است. در زمینه مطالعات تحقیق پیش‌رو، بررسی نقش گورستان در شهر، به عنوان یک فضای شهری، در جوانب گوناگون فرهنگی و اجتماعی، هریک به نوبه خود می‌تواند یاری‌بخش حل این مسئله باشد. در راستای دستیابی به توسعه پایدار، دستور کار ۲۱ به عنوان مبنایی برای دستیابی به این توسعه به سه جنبه اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی پرداخته است و توجهی به امر فرهنگ و تنوع فرهنگی در آن دیده نمی‌شود. لیکن رویکرد این مقاله ابتدا بر لزوم توجه به جنبه فرهنگی در توسعه پایدار است و در این راستا به بیانیه یونسکو در رابطه با تنوع فرهنگی می‌پردازد. سپس با علم بر نقش فرهنگی و اجتماعی گورستان‌ها در شهر در کنار آگاهی از جوانب اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی توسعه پایدار، به بیان راهکارهایی برای ارتقای نقش گورستان‌ها در شهرهای ایران، به سوی دستیابی به توسعه پایدار پرداخته شده است به طور کلی پیشنهادی مبنی بر ترکیبی از چهار برنامه ذیل مطرح می‌شود:

۱. بازیابی، احیا و ارتقای کیفی گورستان‌های تاریخی موجود
۲. گسترش این گورستان‌ها بنا به موقعیت و کاربری‌ها در بافت اطراف
۳. مکان‌یابی مزارهای جدید در موقعیت‌های مکانی و فضایی مناسب داخل شهر در قالب کاربری‌های متناسب با آنها؛ نظیر کاربری‌های فرهنگی و به خاک سپردن بزرگان در زمینه‌های همخوان با آن در جوار این فضا
۴. بهره‌گیری از گورستان‌ها به منزله فضای سبز شهری.

به نظر می‌رسد در اجرای هریک از این چهار برنامه پیشنهادی، که در بدنه اصلی مقاله به توضیح و تفصیل آن پرداخته خواهد شد، توجه به جوانب گوناگون فضای گورستان ضروری است و بدین وسیله در عین سنجش و بهینه عمل نمودن در شرایط ویژه هریک از آنها، می‌توان در جهت تقویت و بهبود عملکرد گورستان‌ها در دستیابی به توسعه شهری پایدار در کلان‌شهرهای ایران گام برداشت.

واژگان کلیدی

توسعه پایدار، شهر پایدار، معماری پایدار، طراحی پایدار، شهر و گورستان، معماری گورستان.

*. دکتری معماری، استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. saeed.haghir@gmail.com

** کارشناس ارشد معماری پایدار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۳۷۰۲۴۴۶

yalda.shohanizad@gmail.com

مقدمه

مطالعه وضعیت گورستان‌ها در طرح جامع تعدادی از شهرهای ایران، گویای وضع نابسامان گورستان‌ها در طرح‌های شهری و عدم توجه کافی به این مقوله است. در بسیاری از شهرهای کشور، علی‌رغم کمبود فضای گورستانی و نیاز اکید به گورستان، برنامه‌ریزی کاربری اراضی، تکلیفی برای این نیاز روشن نمی‌کند یا حتی بدون در نظر گرفتن فضای جدید، پیشنهاد تغییر گورستان‌های موجود را داده است. علاوه بر این، در برخی از شهرها پیشنهادات در خصوص احداث گورستان که منطقی‌تر است در قالب طرح جامع صورت پذیرد، در فعالیتی مجزا از آن انجام گرفته است. در طرح‌های جامع، رویکردی که فضای گورستان در آن به مثابه یکی از کارکردهای خدماتی عمومی دارای اهمیت و اعتبار باشد، ندرتاً دیده می‌شود [فرهادی‌پور، ۱۳۸۸: ۴۹-۴۸]. به این ترتیب، این‌گونه به نظر می‌رسد که در اکثر برنامه‌های توسعه شهرهای ایران، با گورستان به عنوان مکانی صرفاً عملکردی، همچون محل دفن زباله و یا تصفیه‌خانه آب برخورد شده و آن را به دورترین نقطه از شهر و به صورت متمرکز انتقال داده‌اند.

گورستان‌های تاریخی درون شهری، از آسیب‌هایی که در رابطه با فرسوده و متروک شدن آن‌ها دیده می‌شود، از دست‌دادن تدریجی فضاهایی خاطره‌انگیز برای نسل میان‌سال و کهن‌سال است؛ شاید بتوان گفت که این امر، یکی از عواملی است که باعث فاصله گرفتن این قشر از شهر فعلی شده و رابطه آنها را به حد برآوردن نیاز، کاهش می‌دهد؛ به‌علاوه روایت‌های نسل گذشته نیز برای نسل جدید، بی‌مکان جلوه داده و میزان خاطره جمعی و به تبع آن، هویت جمعی در جامعه کاهش پیدا می‌کند.

در ادامه، قابل ذکر است که تک و کلان گورستانی‌شدن شهرهای ایران در کنار مشکلات فوق، موجب نادیده گرفته شدن دو رکن مقیاس و فاصله در شهرسازی، انسانی و اجتماعی بودن در معماری فضای تدفین نیز شده است و در این فرایند، کیفیت روابط انسانی تقلیل یافته و هزینه‌های حضور در گورستان نیز افزایش چشمگیری کرده است.^۱

در پیشینه موضوع این تحقیق، علاوه بر منابع مطالعات شهرسازی، که داده‌هایی در زمینه جایگاه گورستان در شهرهای ایرانی پس از اسلام و حتی پیش از آن در دست قرار داد، به پژوهش‌هایی مراجعه شد که به نقد جایگاه امروز گورستان در شهرهای ایران پرداخته بود. نزدیک‌ترین مطالعات انجام‌شده در این زمینه، شماره سیزدهم فصلنامه اندیشه ایرانشهر بود^۲ که به تفصیل به موضوع گورستان‌ها در شهرهای ایران پرداخته و اطلاعات مفیدی را در این زمینه ارائه کرد و بنا به مورد در بدنه اصلی مقاله حاضر به آنها ارجاع شده است. کلیت این منبع مطالعاتی، حاکی از نامناسب بودن وضع فعلی گورستان‌ها، چه در قرارگیری آنها به‌صورت تک و کلان در خارج از شهرها و چه در وضعیت رو به فرسایش گورستان‌های تاریخی داخل شهرها است.

این مقاله، گورستان را به عنوان فضای باز شهری در قالب منظری فرهنگی و اجتماعی مورد شناخت قرار می‌دهد؛ و نگرش و برخورد با آن به مثابه یک فضای صرفاً خدماتی و انتقال آن به دوردست‌های شهر فارغ از هرگونه پویایی، و فراموش کردن گورستان‌های تاریخی که امروز به درون شهرها کشیده شده‌اند را مورد نقد قرار می‌دهد. سپس از آنجایی که توسعه پایدار در دستور کار برنامه‌ریزی توسعه اکثر شهرهای جهان و از جمله ایران قرار گرفته، جوانب چهارگانه آن را می‌سنجد و نقش گورستان را در جوانب اجتماعی و فرهنگی آن مورد بررسی قرار می‌دهد و در ارتقای این نقش، پیشنهادهای را مطرح خواهد کرد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این مقاله، راهبرد تحقیق کیفی با رویکرد نظریه‌های زمینه‌ای است. از آنجایی که این روش، دارای ظرفیت بالایی برای دستیابی به کیفیت‌های غنی شرایط و محیط‌های زندگی واقعی است، به نظر می‌رسد برای مطالعه موضوع مورد نظر در این مقاله، پاسخگو خواهد بود.

راهبرد تحقیق کیفی برای فهم معانی و فرایند فعالیت‌های مردم پاسخگو است؛ در طراحی، رویه و امکان تعدیل در اثنای پیشرفت پروژه انعطاف‌پذیر، نسبت به معانی و فرآیند دست‌ساخته‌ها و فعالیت‌های انسان دارای حساسیت است. خاستگاه اصلی روش تحقیق کیفی، علوم اجتماعی است و در واقع این روش، در نظر دارد پدیده‌های اجتماعی یا کالبدی را در زمینه‌ای پیچیده، توصیف یا تبیین کند و با نگاهی کل‌نگر به تفسیر آن بپردازد [گروت و وانگ، ۱۳۸۶: ۱۷۹-۱۷۶].

در توضیح رویکرد نظریه‌های زمینه‌ای در راهبرد تحقیق کیفی، گفته شده پژوهشگر در پی آن است که فارغ از ارایه باورها و تصورها، اجازه دهد که شرایط طبیعی محیط، داده‌ها را تعیین کند و سپس نظریه‌ای از میان داده‌ها به تکوین برسد. پس از تدوین نظریه، می‌توان برای سنجش توانایی تبیینی آن، محیط‌های مشابه دیگر را مورد مطالعه قرار داد. در ادامه بیان شده است که ویژگی مهم نظریه زمینه‌ای، استفاده از فرایندی متمرکز، قابل تکمیل و تعاملی است که به طور هم‌زمان گردآوری داده‌ها، کدگذاری (تحلیل داده‌ها)، و نگاهت یا بنای نظریه را شامل می‌شود. در واقع بین این سه مرحله، ارتباطی رفت و برگشتی و تعاملی برقرار است [همان].

این همان فرایندی است که در روش مطالعاتی این مقاله مدنظر است، در واقع این‌طور به نظر می‌رسد که با عمل رفت و برگشت بین گردآوری اطلاعات، تحلیل آنها و نتیجه‌گیری در بیان پیشنهادات می‌توان به راهکارهایی در ارتقای نقش گورستان در جوانب اجتماعی توسعه پایدار شهری دست یافت؛ در هر مرحله با برخوردن به مسئله‌ای جدید، می‌توان به مرحله قبل بازگشت، آن را تکمیل نمود و دوباره پیش رفت. بر این اساس، در این مقاله در مرحله اول؛ جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام پذیرفته، و به موازات مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی نیز صورت گرفته است. سپس این مطالعات با زمینه تحقیق مطابقت داده شده و مورد تحلیل کیفی قرار گرفته است. در نهایت بر مبنای مطالعه زمینه‌ای انجام شده، تطبیق‌هایی صورت گرفته و نتایج کلی این تحقیق حاصل شده است.

جایگاه گورستان در شهرسازی ایرانی- اسلامی

مطالعه فضای گورستان از بعد اجتماعی و فرهنگی و دریافت ارزش‌های آن در شهر، می‌تواند اهمیت توجه به این فضای شهری در بعد اجتماعی آن و تأثیرش بر تقویت جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی شهر در دست یافتن به توسعه پایدار را روشن کند.

جمله "معماری... از آراستن گورها... آغاز شد" [دورانت، ۱۳۷۲: ۲۰] اشاره‌ای به اهمیت فضای گورستان دارد و گورستان را می‌توان تجلی معمارانه نگرش مردم به پدیده مرگ دانست. دیده می‌شود که در فرهنگ‌های گوناگون برخوردهای متفاوتی با مردگان صورت می‌گیرد و ایران پس از اسلام، مکانی است که در آن به دفن مردگان پرداخته و مرگ، گور و در ادامه گورستان برای افراد اهمیت خاصی دارد. به علاوه، انجام عمل تدفین موات در آن، فضای گورستان را تبدیل به فضایی دیرپا و ماندگار می‌کند؛ از این رو این فضا، ویژگی‌های نسل معاصر خود را برای آیندگان به نمایش خواهد گذاشت. با در نظر گرفتن این امر، گورستان منظر تاریخی و نمادین به نظر می‌رسد و می‌توان گفت تقریباً در اکثر شهرهای ایران، فضای گورستان‌هایی که از گذشته به جا مانده‌اند، در زمره قدیمی‌ترین فضاهای شهری به حساب می‌آیند.

مطالعاتی که در زمینه موقعیت گورستان در شهرهای ایران پس از اسلام انجام گرفته، حاکی از آن است که شکل‌گیری اولیه این فضا، حتی‌الامکان در کنار اماکن مقدس و عموماً در خارج از شهرها در مکانی با سهولت دسترسی برای بازماندگان بوده است. بعدها به مرور و با توسعه شهرها، گورستان‌ها به داخل شهر وارد شده و تا حد امکان، گسترش یافتند. در ادامه روند توسعه شهرها و افزایش جمعیت آنها، گورستان‌های جدیدی در فاصله‌ای نسبتاً دور از بافت شهری و در قالب فضاهایی وسیع، شکل گرفته‌اند؛ نظیر آنچه امروز در مورد گورستان بهشت زهرا، کلان‌شهر تهران قابل مشاهده است.

۱. جایگاه اجتماعی

در مطالعه این فضا از منظر اجتماع دیده می‌شود که گور^۳ به عنوان مکانی که یک انسان در آن آرمیده، نشانه‌ای فیزیکی است از فرد متوفی و با برقراری ارتباط مخاطب این مکان با شخص تدفین‌شده، چهره‌های متفاوتی به این فضا داده می‌شود. با وجود این خصیصه، گورستان‌ها بسته به افرادی که در آنجا دفن شده‌اند، کیفیت‌های فضایی متفاوتی به خود می‌گیرند.

ظاهراً حفظ حرمت مردگان در ایران، مانع از بهره تفرج‌گاهی از گورستان نمی‌شود و این فضا همواره در تعامل پویا با فضای زندگانی انسان‌ها، روستا و پس از آن شهر، قرار داشته است. در سیری در روستاهای ایران، گورستان‌ها بیشتر در ارتفاعات ناهموار و در زیباترین فضاهای طبیعی به چشم می‌خورند [کاشیگر، ۱۳۸۲: ۱۰].

به نظر می‌رسد به خاک سپرده‌شدن یکی از آشنایان و بستگان در این مکان، علاوه بر بخشیدن هویت خاص به این فضا، جنبه‌ای خاطره‌انگیز را نیز برای این افراد ایجاد می‌کند و حضور در سر مزار یکی از مشاهیر کشور در یک گورستان، با در نظر گرفتن اینکه شاید امکان دیدار وی در طول حیاتش برای اکثریت افراد جامعه وجود نداشته، حاکی از برقراری رابطه‌ای از نوع دیگر است؛ عاملی که به نظر می‌رسد از نامتعارف بودن فضای گورستان برای عامه مردم نیز خواهد کاست. به علاوه به نظر می‌رسد در جایی که فرد متوفی برای عده زیادی از مردم، شناسا باشد،

تبدیل به یک تجربه نسبتاً مشترک شده و وجه قابل توجهی از اشتراک را به همراه داشته [اسماعیلی، ۱۳۸۸ الف : ۳۲] و هویتی ملی را گوشزد می‌کند.

می‌توان گفت که فضای گورستان، محلی است که ناگزیر، تجربه‌های مشترکی را برای بازماندگان به همراه دارد. به طور کلی، فردی که به این فضا وارد می‌شود یا هدفش زیارت یکی از مشاهیر به خاک سپرده است یا مزار نزدیکان و آشنایان از دست رفته؛ در هر دو حال، امکان ملاقات افرادی، با نگرش یا احساس مشترک برای وی وجود دارد و چه بسا تقویت ویژگی‌هایی مثبت و حتی تسکین‌دهنده برای آرامستان، امکان برقراری تعاملات اجتماعی بین این افراد را افزایش دهد و از ناخوشایندی تجربه آن بکاهد.

۲. جایگاه فرهنگی

برای فردی که به آرامستان قدم می‌گذارد، می‌توان گفت که نگرش در نشانه‌ها و نمادهای این فضا نیز همچون سنگ قبور (هنر فرسک و مجسمه‌سازی)، سروده‌ای که بر آن نقش بسته (ادبیات) و از مرگ و زندگی می‌گوید (جهان‌بینی) و مقبره‌ها و کلیت فضای گورستان (معماری)، هریک به عنوان نشانه‌هایی از فرهنگ و تاریخ زمان خود قابل تأمل است. هریک از افرادی که در این مکان به خاک سپرده شده‌اند، تاریخ و نشانی از زمان حیات خود را بر مزارهایشان یادآور می‌شوند و هویتی تاریخی- فرهنگی را برای این فضا به همراه دارند؛ سبزی در گورستان‌ها، نوع نگرش جامعه به پدیده مرگ را در زمان خاص خود به نمایش می‌گذارد؛ و در عین حال مفاهیم مذهبی مختص خود را نیز در این رابطه بیان می‌دارد. از این‌رو، آرامستان برای افرادی که به این فضا وارد می‌شوند، باری از هنر، فرهنگ و تاریخ را بازگو می‌کند و همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، فضای گورستان برای نزدیکان و آشنایان تدفین‌شدگان در خود، خاطره‌انگیز و هویت‌بخش به شمار می‌آید. بررسی موارد فوق در رابطه با فضای گورستان، منجر به پذیرش آن به عنوان یک منظر فرهنگی می‌شود؛^۴ لذا با پذیرش این فضا به عنوان یک منظر فرهنگی، لزوم تجدیدنظر در نگرش به آن، متفاوت با آنچه در طراحی شهری برای عموم شهرهای امروز ایران رایج است، دیده می‌شود.

توسعه پایدار، جوانب فرهنگی و اجتماعی

برای شناسایی جایگاه گورستان در شهر و چگونگی نقش آن در دستیابی به توسعه پایدار شهری و در نهایت امکان آرایه پیشنهاداتی برای تقویت این نقش، لازم است که در ابتدا مروری بر توسعه پایدار، مفاهیم و جوانب دستیابی به آن بیان شود؛ مفهوم توسعه پایدار در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد [Stivers, 1976: 25] تعریفی که تاکنون بیش از همه مورد استفاده قرار گرفته تعریف کمیسیون برانتلند است: "آن توسعه‌ای که بتواند نیازهای کنونی را بدون از دست دادن توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهایش تأمین کند" [بحرینی، ۱۳۸۷ : ۹]. با انتشار گزارش برانتلند در ۱۹۸۷ با عنوان "آینده مشترک ما" و "کنفرانس سران زمین" سازمان ملل در سال ۱۹۹۱، موضوع توسعه پایدار در سرتاسر جهان، وارد جریان اصلی خود شد و برنامه‌های "شهر پایدار" در بسیاری از نقاط جهان پدیدار شد [همان : ۸].

دستور کار ۲۱،^۵ در ۱۹۹۲ با تأیید بیش از ۱۷۸ دولت در کنفرانس سازمان ملل متحد و توسعه در ریودژانیرو برزیل مصوب شد. این دستور کار برای دستیابی کشورها به توسعه پایدار تهیه شده و شامل ۴ بخش است: معیارهای اقتصادی و اجتماعی، صرفه‌جویی و مدیریت منابع در توسعه، تقویت نقش گروه‌های متخصص، توانایی‌های عملکردی. در منابع مربوط به روش‌شناسی توسعه پایدار بر اساس دستور کار ۲۱ یک اتفاق نظر در مورد مفهوم توسعه پایدار وجود دارد و شامل این واقعیت است که توسعه پایدار در برگیرنده سه بعد است: بعد اجتماعی، بعد اقتصادی، بعد محیط زیستی [مخدوم، ۱۳۸۷: ۴۸]. در این دستور کار به امر فرهنگ و تنوع فرهنگی اشاره‌ای نشده که به نظر نگارندگان، امری مهم و غیر قابل چشم‌پوشی در توسعه پایدار است.

در راستای عدم اشاره به تنوع فرهنگی در دستور کار ۲۱، بسیاری از جوامع از طریق مجامع گوناگون بین‌المللی مثل مجمع دائمی سازمان ملل متحد^۶ نیز بر سر این مسئله بحث کرده‌اند که توسعه پایدار، بعد دیگری به نام تنوع فرهنگی را داراست. در بیانیه جهانی، تنوع فرهنگی از سوی سازمان تحصیلی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)^۷ اعلام شد که "... تنوع فرهنگی برای جوامع بشری یک ضرورت است، همان‌گونه که تنوع زیستی برای طبیعت". توضیح ارایه‌شده شامل این مفهوم است که تنوع فرهنگی به سادگی در رشد اقتصادی دیده نمی‌شود، بلکه وسیله‌ای است برای دستیابی به حیاتی روشن‌فکرانه، احساسی، اخلاقی و معنوی. در این نوع نگاه، تنوع فرهنگی، چهارمین بعد دستیابی به توسعه پایدار است.

ادوارد تایلور^۱ [۱۸۳-۱۹۱۷]. فرهنگ را "مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به عنوان عضوی از جامعه، از جامعه خویش فرا می‌گیرد"^۲، تعریف می‌کند و در این راستا فرهنگ را شامل عناصر گوناگونی نظیر هنر و معماری، آداب و رسوم، سرگرمی‌ها، زبان، سیاست، مذهب و سنت دانسته‌اند.^۳ در مورد لزوم حفظ فرهنگ بومی هر ناحیه و در ادامه آن، تنوع فرهنگی در جهان، بحث بسیار است؛ عده‌ای با لزوم حفظ آن موافق و عده‌ای مخالف‌اند و هر گروه دارای نظرات خاص خود است. نگارندگان اما بر این باورند که حفظ و نگهداری فرهنگ بومی و همچنین تنوع فرهنگی در جهان، تا جایی ضروری است که به نوع بشر آسیب نرسانده، به آزادی وی لطمه‌ای وارد نکرده و غیراخلاقی نباشد.

لذا در تطابق موضوع تنوع فرهنگی و لزوم توجه به آن در توسعه پایدار، می‌توان گفت که از آنجا که حفظ تنوع فرهنگی برای حیات بشر، ضروری است، توسعه پایدار نیز توسعه‌ای است که به نیازهای نسل آینده توجه می‌کند، لذا تنوع فرهنگی را می‌توان بعد چهارم توسعه پایدار دانست و در نهایت، مطالعه و تحلیل توسعه پایدار و جوانب آن، این نتیجه را به دست می‌دهد که توسعه پایدار دربرگیرنده چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی است.

در ایران نیز توجه به اصول و جنبه‌های گوناگون توسعه پایدار مدنظر تشکیلات مختلف قرار گرفته است [نقی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۴]. لیکن ایران با آنکه از سال ۱۳۵۵ دست به برنامه‌ریزی آمایش سرزمین زده، تنها از سال ۱۳۸۵ به بعد است که انجام این‌گونه برنامه‌ریزی در کشور برای برآورده کردن توسعه پایدار در دست اقدام است [مخدوم، ۱۳۸۷: ۵۰]. حال آنکه نگرانی از آن است که در کشور، برخوردی شعارگونه با توسعه پایدار صورت گرفته و عدم به‌کارگیری اصول آن در برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی، همانند نمونه برنامه‌ریزی خارج از طرح جامع شهری که برای گورستان‌ها ذکر شد، توسعه‌ای ناپایدار و بدون توجه به نیازهای نسل امروز و فردا در حال انجام باشد.

بررسی یک نمونه موردی، گورستان پرلاشز^۱، پاریس، فرانسه

(به منظور امکان‌سنجی در بهره‌گیری از مفاهیم راهبردی آن در گورستان‌های تاریخی درون شهری ایران)

۸۵

به نظر می‌رسد مطالعه و بررسی یک نمونه گورستان که تاحدی در دست‌یابی به اهداف مطرح شده در مقاله پیش‌رو موفق به نظر می‌رسد، می‌تواند یاری‌بخش باشد. هدف از این مطالعه، نه پیشنهاد تقلید، بلکه مطالعه یک نمونه، بررسی ایده‌های بهره گرفته شده در آن و الگوگرفتن از آنها پس از تطبیق با شرایط مقصد است.

گورستان پرلاشز با مساحت تقریبی ۴۳ هکتار یک نمونه به نظر موفق گورستان در میزان پویایی و تعامل اجتماعی، کشور فرانسه است که بزرگ‌ترین گورستان پاریس و از مشهورترین گورستان‌های جهان به‌شمار می‌رود. پرلاشز، وسیع‌ترین فضای سبز در محدوده داخلی پاریس است و از آن با عنوان موزه‌ای در فضای باز یاد می‌شود [Colman, 1997:90].

این گورستان یک فضای عمومی و گردشگری در شهر است. فضایی همگانی که زیر نظر شهرداری اداره می‌شود و بدون توجه به ریشه یا مذهب، متعلق به همه شهروندان است. اجساد در گورهای عمومی یا اجاره‌ای به طور موقت یا دائمی دفن می‌شوند. چنین سیستم پذیرشی، به خانواده‌ها آزادی کامل برای برپایی بناهای یادبود داد که یکی از دلایل ویژه موفقیت پرلاشز شد. به این ترتیب تنها با گذشت چند دهه، بناهای یادبود، مکان‌های نیایش، اتاقک‌ها و ستون‌ها بر قبرها چند برابر شد. تعیین محل قبر و بنای یادبود در این گورستان آزاد است و هیچ گروه‌بندی مذهبی، اجتماعی یا سیاسی در فضای آن وجود ندارد. در این گورستان افراد سرشناس زیادی با مقابری مرتبط با حوزه شهرت خود در زمان حیات، آرام گرفته‌اند که می‌توان نام تعدادی از پرطرفدارترین آنها را در نقشه راهنمای گورستان دید و از آن جمله می‌توان به «صادق هدایت»، «غلامحسین ساعدی»، «امیل زولا» و «بالزاک» اشاره نمود. تصویر ۱، فضای این گورستان را به نمایش می‌گذارد که حاکی از شاخصه‌های ویژه آن در طبیعت و منظر خاص این گورستان است.

شهرداری پاریس برای رفاه گردشگران، گردش‌های گروهی منظمی همراه با راهنما برای نشان دادن گورهای معروف و توضیح شرح‌حال‌های مختصری از آنها ترتیب می‌دهد. علاوه بر این، تسهیلاتی برای گردش در گروه‌های خاص از جمله نابینایان، ناشنایان، افراد معلول یا دوچرخه‌سواران وجود دارد. امروز پرلاشز محل رفت‌وآمد افراد بسیاری است؛ از قبیل کارکنان گورستان، افراد محلی، خانواده‌های تدفین‌شدگان، گردشگران و افرادی که در تعطیلات با هدف تفریحی به پرلاشز می‌آیند و این مکان را علاوه بر خوابگاه مردگان، به مکانی زنده و پویا تبدیل کرده است.



تصویر ۱. گورستان پرلاشز، پاریس، فرانسه. عکس: سعید حقیر، تابستان ۱۳۸۸.
Pic1. Père-Lachaise Cemetery, Paris, France, Summer 2009,
Photo: Dr.Saeed Haghir.

مطالعات فوق حاکی از این امر است که در این گورستان، مواردی همچون آزادی در انتخاب موقعیت، آزادی در طرح بنای یادبود، فضاسازی مناسب شهری، ارایه تسهیلات برای افراد با معلولیت‌های خاص و از همین سلسله موازین طراحی فضا، پرلاشز را به یک فضای شهری پویا و حتی یک جاذبه گردشگری تبدیل کرده است.

این‌طور به نظر می‌رسد که این گورستان با توجه به دفن تعداد کثیری از مشاهیر، وجوه مشترکی را با گورستان ظهیرالدوله در شمال تهران دارا است. اطلاعات بدست‌آمده از شهرداری تهران حاکی از آن است که اولین تدفین در آرامستان ظهیرالدوله به سال ۱۳۰۳ ه.ش، دفن ظهیرالدوله، پسر محمد ناصرخان قاجار بوده است. هم‌اکنون، در این گورستان کسی دفن نمی‌شود و از خانقاه برای مراسم مذهبی استفاده می‌شود و علاقه‌مندان به بازدید، در روزهای خاص و با شرایط ویژه، می‌توانند از گورستان دیدن کنند. تصویر ۲ نمایشگر وضعیت این گورستان در زمستان ۱۳۸۸ است، متروک شدن و روند رو به فرسایش آن، در تصویر به خوبی قابل ملاحظه است. از آن جهت که در گورستان ظهیرالدوله نیز بزرگانی از ادب و فرهنگ ایرانی همچون ملک‌الشعرای بهار و فروغ فرخزاد، به خاک سپرده شده‌اند و جدای از نیاز به احیای کمی فضا، قابلیت ارتقای کیفی نیز در آن دیده می‌شود. به نظر می‌رسد بتوان با احیای هدف‌مند این گورستان آن را در زمره فضاهای با جاذبه گردشگری نیز جای داد.

۸۶



تصویر ۲. گورستان ظهیرالدوله، تهران. عکس: سعید حقیر، زمستان ۱۳۸۸.
Pic2. Zahiroddoleh Cemetery, Tehran, Iran, Photo: Saeed Haghir.

پیشنهاد راهکارهای ویژه در جهت ارتقای وضعیت گورستان ظهیرالدوله، نیاز به مطالعه ویژه و بررسی خاص و تفاسیر توأمان دارد که در این بحث نمی‌گنجد. در اینجا تنها پیشنهاد مطالعه راهکارهای بهره‌گرفته شده در پرلاشز و استفاده از برخی از آنها پس از تطبیق با شرایط ویژه گورستان ظهیرالدوله به عنوان بخشی از مسیر پیشبرد به سوی این هدف داده می‌شود. به‌علاوه، واضح است که راهکارهای کلی بیان‌شده در این مقاله برای ارتقای جایگاه اجتماعی و فرهنگی گورستان‌های تاریخی درون شهری می‌تواند شمایی کلی از برنامه‌ریزی برای تقویت ارزش‌های این آرامستان تاریخی ارایه دهد.

تقویت نقش گورستان در دست‌یابی به توسعه شهری پایدار

در این مطالعات، تلاش شده تا به راه‌حلهایی برای تقویت ویژگی‌های مؤثر و مفید آرامستان در توسعه پایدار شهری برسیم. در این راستا به مطابقت جوانبی که پیش از این در رابطه با جایگاه گورستان در شهر مورد بحث قرار گرفت با راهکارهای ارایه‌شده در دستور کار ۲۱ و بیانیه یونسکو در رابطه با تنوع فرهنگی، پرداخته می‌شود. همان‌طور که پیش از این نیز به آن اشاره شد این دستور کار، تنها به سه جنبه زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی پرداخته و جایی برای امر فرهنگ و تنوع فرهنگی در توسعه پایدار قایل نشده است. لذا در پذیرش و توجه

به امر فرهنگ و تنوع فرهنگی، به عنوان لازمه‌ای در دست‌یابی به توسعه پایدار، مطالعه بیانیۀ یونسکو در رابطه با تنوع فرهنگی نیز امری مفید به نظر می‌رسد.

بیانیۀ یونسکو در ارتباط با تنوع فرهنگی شامل ۱۲ بند، بیان است^{۱۲} که چهار بند از این بیانیه، با مطالعات انجام‌شده در رابطه با جایگاه گورستان در شهر مرتبط به نظر می‌رسید. این چهار بند عبارت است از:

بند ۱. تنوع فرهنگی، میراث مشترک بشریت: فرهنگ، در طول زمان و مکان، اشکال متنوعی را به خود می‌گیرد. این تنوع، در وحدت و چندگانگی هویت گروه‌ها و جوامعی تجسم پیدا می‌کند که نوع بشر را تشکیل می‌دهد. تنوع فرهنگی، به عنوان منبع مبادله، خلاقیت و نوآوری، به اندازه تنوع زیستی برای طبیعت برای نوع بشر ضروری است. در عین حال، این امر، میراث مشترک بشریت است و باید به سود نسل‌های حال و آینده، شناخته و حفظ شود.

بند ۲. از تنوع فرهنگی به چندگانگی فرهنگی: در جوامع در حال گسترش، تعاملات هماهنگ بین مردم و گروه‌ها با هویت‌های فرهنگی متنوع، متفاوت و پویا و به همین ترتیب تمایل آنها به با هم زندگی کردن، امری ضروری به حساب می‌آید. سیاست‌ها برای گنجایش و مشارکت‌دهی تمام شهروندان، ضمانت‌های انسجام اجتماعی، حیات جامعه شهری و صلح است. بنابراین، چندگانگی فرهنگی به واقعیت تنوع فرهنگی، یک بیان سیاسی می‌دهد. چندگانگی فرهنگی به عنوان امری جدانشدنی از یک چارچوب دموکراتیک، هدایت‌گری است به سوی تبادل فرهنگی و ظهور ظرفیت‌های خلاقانه که زندگی عموم را پایدار می‌کند.

بند ۳. تنوع فرهنگی به عنوان عاملی در توسعه: تنوع فرهنگی بازۀ انتخاب برای همگان را گسترش می‌دهد؛ این امر یکی از ریشه‌های توسعه است که به سادگی در رشد اقتصادی، درک نمی‌شود. به‌علاوه، وسیله‌ای برای دست‌یابی به حیاتی رضایت‌بخش‌تر از جنبه‌های عقلانی، احساسی، اخلاقی و معنوی است.

بند ۷. میراث فرهنگی به عنوان سرچشمۀ خلاقیت: خلاقیت بر ریشه‌های سنت فرهنگی جوانه می‌زند، اما در ارتباط با سایر فرهنگ‌ها رشد می‌کند. از این رو، میراث در تمام اشکال آن، به عنوان تجربیات و آمال بشری، باید حفظ، تقویت شده و به آیندگان منتقل شود تا خلاقیت را در تمام گونه‌هایش پرورش دهد و گفتگوی واقعی بین فرهنگ‌ها را الهام بخشد.

در کنار ارجاع به بیانیۀ فوق برای راه‌یابی به توسعه پایدار در جوانب فرهنگی و اجتماعی، مطالعه بخش‌های مرتبط از دستور کار ۲۱ نیز ضروری به نظر می‌رسد؛ فصل ششم از بخش اول، دارای عنوان "محافظت و ارتقای شرایط سلامتی انسان‌ها در جوامع" است. به طور خلاصه می‌توان گفت که در این فصل، علاوه بر تأکید بر لزوم فراهم آوردن امکانات درمانی و سلامتی برای تمام جوامع، به حفظ شرایط سلامت انسان‌ها در شهرها و از بین بردن عوامل تهدیدکننده سلامتی ساکنین شهرها نیز اشاره شده است. ارتباط این فصل با موضوع مورد بحث در این مقاله ناشی از پذیرش گورستان به عنوان یک فضای باز شهری و طراحی مناسب فضای سبز در آن است و همین رابطه در فصل هشتم از این بخش، با عنوان "گنجاندن توسعه و محیط زیست در تصمیم‌گیری‌ها" نیز دیده می‌شود. در این فصل به لزوم پیوستگی توسعه و محیط زیست در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت‌های شهری، پرداخته و بر حفظ محیط زیست در توسعه تأکید می‌شود.

دستور کار ۲۱ در بخش دوم و در فصل نهم با عنوان "محافظت از جو زمین"، به لزوم محافظت از جو زمین و ممانعت از اعمالی می‌پردازد که باعث آسیب‌رسانی به آن می‌شود از جمله ممانعت به عمل آوردن از ایجاد و گسترش جزایر گرمایی^{۱۳} در شهرها. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، با تقویت فضای سبز در آرامستان‌ها، چه در مقیاس کلان در حاشیه شهرها و چه در مقیاس‌های کوچک‌تر درون شهرها، می‌توان در کاهش اثرات جزایر گرمایی شهری سهیم بود.

در نهایت نیز در فصل بیست‌وششم از بخش سوم، با عنوان "شناخت و تقویت نقش جوامع بومی" بر تقویت نقش گروه‌های متخصص بومی در توسعه جوامع تأکید شده است. در مورد ارتباط این فصل با موضوع مورد مطالعه در مقاله می‌توان به مسئله استفاده از گروه‌های متخصص بومی در امور مرتبط با ارتقای وضع کیفی آرامستان‌ها از جهات مختلف مورد بحث در این مقاله اشاره کرد.

مطالعه این دو منبع اساسی توسعه پایدار، در کنار مد نظر داشتن جایگاه گورستان در شهر که پیش از این به بیان آن پرداخته شد، رهنمون بیان راهکارهایی برای تقویت نقش گورستان‌ها در توسعه پایدار شهری شد؛ این پیشنهادها، در ترکیبی از چهار برنامه مطرح می‌شود: بازیابی، احیا و ارتقای کیفی گورستان‌های تاریخی موجود، گسترش این گورستان‌ها بنا به موقعیت و کاربری‌ها در بافت اطراف، ایجاد گورستان‌های جدید در داخل شهر در موقعیت‌های مکانی و فضایی مناسب و در نهایت بهره‌گیری از گورستان‌ها به منزله فضای سبز شهری.

• باز یابی، احیا و ارتقای کیفی گورستان‌های تاریخی موجود

در پذیرش گورستان به عنوان یک منظر فرهنگی در شهر، رویکردهای متفاوتی از قبیل حفاظت، نگهداری، احیا، بازسازی، تطابق‌پذیری و توسعه در مدیریت آن به طور مؤثر مد نظر قرار می‌گیرد [فیضی و رزاقی‌اصل، ۱۳۸۸: ۲۳]. در این راستا راهبردهایی در بازسازی این گورستان‌ها پیشنهاد می‌شود:

- ارتقا و رسیدگی به معماری مزارها و کلیت فضای گورستان؛ در این مورد، به نظر می‌رسد با ارتقای کیفی وضعیت فعلی آرامستان‌های درون شهری که عمدتاً تاریخی است، این فضاها از متروک‌بودن رهایی یافته و پویایی و ارتقای جایگاه اجتماعی در توسعه پایدار شهری را به همراه خواهد داشت.

- ایجاد کاربری‌های فرهنگی متناسب با این فضا (در قالب پارک‌موزه‌ها، باغ مشاهیر، موزه‌های مرگ و یا باغ‌های یادمانی و از این دست): به نظر می‌رسد در این مورد با ایجاد کاربری‌های فرهنگی در فضای آرامستان یا در مجاورت آن، هویت این فضا تقویت و به دنبال آن سبب جذب مراجعین و افزایش پویایی این فضا خواهد شد؛ همچنین فضای گورستان قابلیت اختصاص دادن تعداد بیشتری از درگذشتگان، متناسب با کاربری‌های جدید در آن را پیدا خواهد کرد. این امر نیز به نوبه خود باعث تقلیل نیاز به گورستان‌های کلان شهری و به علاوه با تقویت جایگاه فرهنگی این فضا در شهر، گامی به سوی ارتقای جوانب فرهنگی توسعه پایدار در ایران خواهد شد.

- تقویت جنبه‌های گردشگری در گورستان‌هایی با پتانسیل مناسب (همچون فضاهای تفرجگاهی و گردشگری با استفاده از مفاهیم آئینی و همچنین کهن‌الگوها): این مورد نظیر مورد پیشین می‌تواند ارتقای هویتی فضای آرامستان و در کنار آن جلب تعداد بیشتری از مراجعین برای استفاده‌های تفرجگاهی از امکانات این فضا را به همراه داشته باشد.

نکته‌ای در اینجا قابل توجه به نظر می‌رسد؛ ممکن است قبحی که فضای آرامستان در نظر ایرانیان دارد، باعث کند شدن در امر پذیرش این فضا به عنوان یک فضای تفرجگاهی شود، لیکن دو مطلب قابل ذکر است، یکی نامتعارف بودن فضای گورستان بیشتر در مورد گورستان‌های رایج و متروک شهری است و تجربه فضای شهری جدیدی که در آن این کاربری در کنار فضاهای تفرجگاهی باشد، سال‌هاست که در طراحی شهری ایران دیده نشده و آنچه که پیش از این به‌عنوان نمونه در قالب باغ‌مزارها دیده شده، نه تنها قبحی را به‌همراه نداشته، بلکه جذاب نیز به‌نظر می‌رسیده است. دیگر آنکه این پیشنهاد و در نظر گرفتن مزارها در قالب یک فضای تفرجگاهی، به دقت فراوان و حسن انتخاب در موقعیت‌یابی و برنامه‌ریزی فضاهای داخل آن نیازمند است، تا در نهایت این فضای جدید شهری، پدیده‌ای به دور از تجربیات معاصر از فضای گورستان‌ها را منجر شود.

بنابراین این راهکار به سوی ارتقای جایگاه اجتماعی گورستان در شهرهای امروز ایران به سوی توسعه پایدار خواهد بود.

- بکارگیری عناصر یادبود و نمادین شهری در آرامستان: در مطرح نمودن این پیشنهاد، هدف ارتقای هویتی این فضا و تقویت جایگاه فرهنگی آن در دست‌یابی به توسعه شهری پایدار است. در تطابق کلیت این راهکار با اصول مذهبی دین اسلام، بحثی که در مطالعه دیدگاه‌های رایج عالمان شیعه و سنی توجه را به خود جلب می‌کند و در میان همه آنها مشترک است، عدم دفن درگذشتگان در مکان غصبی است. به‌طور کلی می‌توان گفت که دفن درگذشتگان را در مدارس، حسینیه‌ها، مساجد و دانشگاه‌ها در صورتی مجاز دانسته‌اند که مزاحمتی برای کسی ایجاد ننماید، ولی اولویت را برای بنیان‌گزاران مراکز خیریه، افراد خیر محلی و اساتید دانشگاهی یا حوزوی، هر کدام به تناسب حرفه و زندگانی خود، قائل شده‌اند [عدالت‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۹]. به نظر می‌رسد که این کار با اینکه تأثیر چندانی در رفع مشکل کمبود گورستان در شهرها ندارد، لیکن، باعث هویت‌بخشی و ایجاد ارزش‌های فرهنگی و مذهبی در این مکان‌ها می‌شود.

اساس این راهکارها بر بیانیه یونسکو در رابطه با تنوع فرهنگی است، به‌علاوه در هریک از این موارد با ایجاد کاربری‌ها و فضاهای جدید جانبی در گورستان‌ها و ایجاد اشتغال، به برآورده کردن رویکرد فصل بیست‌وششم دستور کار ۲۱، در شناخت و تقویت نقش جوامع بومی در شهرها نیز پرداخته می‌شود. در عین حال به با این راهکار علاوه بر بهبود نگرش به این فضا، تکرار مراجعه به گورستان در زمان‌های مختلف نیز از پتانسیل یادآوری خاطرات ناخوشایند در آن می‌کاهد و برخورد با این فضا را امری عادی می‌کند و در نهایت از نامتعارف جلوه نمودن آن در دیدگاه عامه مردم کاسته می‌شود.

• گسترش گورستان‌های درون شهری بنا به موقعیت و کاربری‌ها در بافت اطراف

گفته می‌شود که موضوع تغییر و تبدیل گورستان‌های تاریخی به فضاهای باز شهری، نظیر پارک‌ها، بوستان‌ها و نظایر آن، ایده‌ای است که در اروپا شکل گرفته و پس از چندین دهه به ایران رسیده است [میرشاهزاده، ۱۳۸۸: ۳۴]. این ایده همانند سایر تجارب طراحی که به ایران وارد شده، مورد توجه مدیران شهری و مردم قرار گرفته است. در عمل اگر با توجه به مقتضیات بومی- فرهنگی این‌گونه مکان‌ها، بر ساختار فضایی- مکانی موجود تأکید شود، نتایج بدست‌آمده می‌تواند پتانسیل‌های نهفته در چنین مجموعه‌هایی را کشف کرده و با تأکید بر ویژگی‌های متمایزکننده آنها ضمن تقویت حس تعلق و وابستگی محیطی، بر هویت اجتماعی آنها بیافزاید.

تطبیق این راهکار با اصول دین اسلام عبارت است از مجاز بودن نیش قبر در زمانی که بدانیم جسد به خاک تبدیل شده است و عرف رایج در این مورد، در شرایط متعارف آب و هوایی سی سال است [عدالت‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۶]. در نتیجه می‌توان چنین برداشت کرد که از لحاظ فقه اسلام نیز دفن مجدد در قبوری که بیش از سی سال از تدفین در آنها گذشته مجاز است. این مطلب مسایلی بر عدم وجود مسئله شرعی در استفاده مجدد از گورستان‌هایی تاریخی که بیش از سی سال از تدفین در آنها می‌گذرد، و تلاش بر حل مسایل حاصل از متروک شدن این فضاها در شهر تأکید می‌ورزد.

این رویکرد، علاوه بر بنا شدن بر فصول شش، هشت و نه دستور کار ۲۱ و توجه به شرایط زیست‌محیطی در توسعه شهرها، در جهت اهداف بیانیه نام برده یونسکو نیز خواهد بود.

به عنوان نمونه‌ای از کلیت راهبرد فوق، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ایجاد کاربری‌های جدید در قالب ساختمان‌های عمومی و قابل استفاده فرهنگی- تفریحی همچون کتابخانه‌ها در مجموعه گورستان‌های جدید و یا تاریخی (در صورت مطابقت و هم‌خوانی با بافتی که گورستان در آن واقع است)
 - هدف از پیشنهاد این راهکار، ارتقای جایگاه اجتماعی و فرهنگی فضای آرامستان‌های درون شهرها بوده است. به نظر می‌رسد با ایجاد کاربری‌های جدید در مجاورت این فضا بتوان مخاطبین بیشتری را به آن جلب نموده، از قیاحت این فضا کاست، جوانب فرهنگی آن را تقویت، تعاملات اجتماعی را افزایش داده و گورستان‌های متروک و فراموش‌شده تاریخی درون شهرها را به فضاهایی پویا تبدیل کرد.
 - بالفعل کردن پتانسیل ایجاد فضایی شخصی برای افراد و وارثان تدفین‌شدگان
- در این مورد، می‌توان گفت امکان تغییرات شخصی با محدودیت‌های خاص، نظیر آنچه در پرلاشز مطالعه شد در عین ارتقای، هویت فضا می‌تواند حالتی تسکین‌دهنده برای بازماندگان نیز ایجاد کند. علاوه بر این، ایجاد جاذبه برای جلب مخاطب و افزایش پویایی فضا در کنار تقویت جوانب فرهنگی را نیز می‌توان از این راهکار نتیجه گرفت. در نهایت، این امر می‌تواند راهبردی برای تقویت جایگاه فرهنگی و اجتماعی گورستان در دست‌یابی به توسعه پایدار شهری در ایران باشد.

• ایجاد گورستان‌های جدید در داخل شهر و موقعیت‌های مکانی و فضایی مناسب

در بررسی فضای گورستان‌های کلان برون‌شهری، به عنوان امری رایج در شهرهای امروز ایران، می‌توان گفت که از جهت دسترسی شهری در کلان‌شهرها به علت دارا بودن جمعیت بالا و به تناسب آن حجم فراوان مرگ و میر، تقاضای نسبتاً زیادی برای کاربری‌های مرتبط با این فضا وجود دارد، از جمله غسل‌خانه، تشییع، مراسم یادبود و تدفین به نظر می‌رسد تجمع مزارها در یک مکان کلان (همانند آنچه در بهشت زهراي تهران رخ داده است) می‌تواند مشکلات ترافیکی نسبتاً زیادی را به همراه بیاورد. گرچه با تدابیر ترافیکی شهری از جمله احداث بزرگراه‌ها ولی با صرف هزینه‌های مازاد می‌توان از این مشکلات کاست، ولی این مشکل در مناسبت‌های خاص در طول سال به گونه‌ای چشمگیر به نظر می‌رسد. به علاوه تکمیل ظرفیت این مکان، مشکلات جدیدی را نیز پیش روی قرار می‌دهد، به نظر می‌رسد با استقرار آرامستان‌ها در دسترسی نزدیک با مبدأ سفر بتوان کاهش حجم و مدت سفر و صرفه‌جویی چه در هزینه ایجاد فضا و چه در هزینه دست‌یابی برای مخاطب را منجر شد.

با نگرش به گورستان در شهر از جنبه‌ی مدیریت بحران نیز می‌توان گفت که با روی دادن بحرانی خاص در شهر همچون، سیل، زلزله، حریق و نیاز به گورستان جهت دفن عده زیادی از کشته‌شدگان، گورستانی تک و کلان در مسافتی بعید از شهر، ممکن است پاسخگوی تعداد لازم مزارها نباشد و یا حتی اگر این مسئله نیز ایجاد نشود، دسترسی به این فضا در یک بازه زمانی واحد، حتی در شرایط عادی، مشکلات حمل و

نقل فراوانی را به همراه خواهد داشت. در نتیجه گورستان‌های متعدد در نقاط مختلف درون شهر و حتی اطراف آن، می‌تواند از بروز این مشکلات ممانعت به عمل آورد.

در بیان مسایل امروز گورستان در شهرهای ایران و مسایل شهرسازی و طراحی شهری به نظر می‌رسد که قراردادن گورستان در فاصله‌ای بعید از شهر، آن را در رده خدمات شهری قرار داده و با آن به مثابه یک فضای آلاینده و ناسازگار با شهر برخورد شده است. با مطالعه گورستان از دیدگاه محیط زیست می‌توان این امر را مورد بررسی و نقد قرار داد.

در متن دستورالعمل وزارت کشور در مورد گورستان‌ها آمده است که "جهت وزش باد نباید از سوی گورستان به سمت شهر باشد" (دستورالعمل وزارت کشور در مورد گورستان‌ها، بند ۲-۱، مورد «ت») لیکن مطالعات انجام شده در این باره، حاکی از عدم وجود هرگونه آلودگی هوای گورستان‌ها است [آقاجان بیگلر، ۱۳۸۸ الف : ۵۶]. به علاوه برای مقابله با باورهایی چون آلودگی و مشکلات بهداشتی فضای گورستان، حتی اگر در جایی صحت نیز داشته باشد، می‌توان با بررسی‌های امکان‌سنجی، نظیر تعیین حریم، مطالعات خاک‌شناسی، بررسی آب‌های زیر سطحی، شیب و امثالهم از طریق اقدامات مهندسی و فنی و یا تدابیر مدیریتی درصدد رفع و تحدید آنها برآمد. اعمال ضوابط بهداشتی جهت جلوگیری از انتشار عوامل بیماری‌زا به آب‌های زیر سطحی، خاک و پیرامون آنها با دانش روز امکان‌پذیر بوده است؛ تا حدی که در صورت انجام بررسی‌های مهندسی و رعایت اصول بهداشتی لازم، گورستان نه تنها هیچ خطری برای محیط زیست ندارد بلکه به مرور و با تقویت فضای سبز آن می‌تواند در بهبود وضعیت زیست‌محیطی شهر نیز مؤثر باشد.

این‌گونه به نظر می‌رسد که در صورت عدم امکان بازیابی و یا گسترش گورستان‌های موجود در شهر، مناسب‌ترین راه، ایجاد گورستان جدید با مکان‌یابی مناسب است. از این رو، مکان‌یابی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در مکان‌یابی گورستان جدید یا توسعه گورستان موجود، لزوم توجه به برخی از وجوه فیزیکی این فضا نیز مهم به نظر می‌رسد و پیشنهاد می‌شود در این راستا توجه به فصول شش، هشت و نه دستور کار ۲۱ است. به نظر می‌رسد گورستان در میان عناصر شهری، حجم و فرم متفاوتی دارد و نیازمند مسطح بودن، توزیع در سطح و تراکم پایین ساختمان‌ها در گورستان، فضای باز آن و عدم امکان سامان‌دهی کاربری‌ها در ارتفاع از ویژگی‌های گورستان است. بدین ترتیب قرارگرفتن گورستان در یک بافت پرتراکم شهری، می‌تواند گشایشی در سامان‌دهی فضایی شهر باشد. همچنین در بررسی ساختار فضایی گورستان نیز می‌توان به آن به عنوان تنوعی در فضاهای شهری به دلیل انحصار نوع فعالیت در آن و فرم خاص آن، نگاه کرد. تقویت انسجام فضایی شهری نیز از دیگر مسایل نیازمند توجه است؛ به معنای استقرار مناسب، ارتباط مناسب با دیگر فعالیت‌ها، دسترسی مناسب به مسیرها و اندازه مناسب نسبت به مقیاس قابل قبول و انسانی یک فضای شهری. طراحی مناسب برای گورستان در ایجاد یک منظر شهری مناسب و ارتقای آن، از دیگر موارد نیازمند توجه است.

همان‌طور که اشاره شد در مورد این پیشنهاد، دقت فراوانی در مکان‌یابی آرامستان جدید لازم است. ممکن است در مخالفت با این راهکار، دو نکته مطرح شود؛ یکی، قبح فضایی گورستان در نظر ایرانیان و عدم علاقه به زندگی در نزدیکی این فضا و دیگری، آلودگی‌های ناشی از احداث گورستان در داخل و یا نزدیکی شهر.

در توضیح باید گفت که منظور از ارایه این راهکار، قراردادن گورستان‌های متعدد، پراکنده و وسیع در نقاط مختلف بافت مسکونی شهر نیست و تأکید بر موقعیت‌یابی مناسب نیز به همین دلیل است. لیکن هدف اصلی، دوری از تک و کلان‌گورستانی شدن شهرها به دلیل مسایل ذکر شده ناشی از آن است. حال این گورستان‌های جدید، می‌تواند در اطراف شهر، پراکنده باشند؛ یا حتی در موقعیت مناسبی در بین فضاهای فرهنگی درون شهر و با تأکید بر موضوعی خاص؛ نظیر آرامستان بزرگان شعر و ادب یا آرامستان اساتید بزرگ یک دانشگاه در محوطه به خصوصی از آن.

به نظر می‌رسد، کلیت این راهکار سبب تقلیل نیاز به آرامستانی کلان برای شهر خواهد شد و علاوه بر آن، این فضا به عنوان منظر فرهنگی در شهر مطرح شده و با هویت‌مندی خاص خود در ارتقای جایگاه فرهنگی آن در توسعه پایدار شهری مؤثر خواهد بود.

• بهره‌گیری از گورستان‌ها به منزله فضای سبز شهری

می‌توان گفت امروزه با تراکم بالا و کمبود فضاهای باز شهری، گورستان به عنوان یک منظر شهری، قابلیت بهره‌گیری در قالب یک فضای سبز و بهبودبخش به وضعیت شهر در حوزه اکولوژیک شهری را دارا است. کاشت گیاهان بر طبق ضوابط مهندسی و آبیاری (که با در نظر گرفتن مسایل بهداشتی، نیاز بیش از حدی به آبیاری نداشته باشد)، درختان پهن‌برگ و سوزنی‌برگ، گل‌های فصلی و از این دست می‌تواند در صورت طراحی مناسب، علاوه بر تأثیرات زیبایی‌شناسانه، به بهبود محیط زیست شهری نیز یاری رساند.

به علاوه، توجه به نقش گورستان به عنوان یک فضای سبز شهری، امری مهم در مکان‌یابی گورستان جدید و یا توسعه گورستان موجود است [آقاجان‌بیگلر، ۱۳۸۸: ۱۱۹]. گسترش فضای سبز در شهرها، نیز نیازی است که توسعه شهر را به رهیافت‌های فصول شش، هشت و نه از دستور کار ۲۱ نظیر توجه به مسئله جزایر گرمایی در شهرها نزدیک می‌کند.

در ایده بهره‌گیری از فضای گورستان به مثابه فضای سبز شهری در ایران می‌توان از مفهوم باغ‌مزار^{۱۴} استفاده کرد. شاید بتوان اظهار داشت که توجه به بهشت در اسلام و توصیفی که از آن شده، در پیدایش این نوع مزار مؤثر بوده است و می‌توان آن را بازتاب خواسته افراد در رفتن به بهشت دانست. از نمونه باغ مزارها می‌توان باغ مزار هفت تنان و باغ مزار چهل تنان در نزدیکی شیراز مربوط به دوره زندیه اشاره کرد [ویلبر، ۳۰:۱۳۸۳].

به نظر می‌رسد استفاده از این مطالعات در قالب برنامه‌های کلی ذکر شده در مطابقت با دستور کار ۲۱ و بیانیه یونسکو در رابطه با تنوع فرهنگی، راه‌حلی برای تقویت ویژگی‌های مؤثر و مفید گورستان در رهیابی به سوی توسعه پایدار شهری باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در تلاش برای ارائه راهکارهایی جهت رفع مسئله روند متروک و فرسوده‌شدن گورستان‌های درون‌شهری در کلان‌شهرهای ایران، و تک و کلان‌گورستانی شدن این شهرها و ممانعت از مسایل و مشکلات ناشی از آن، به عنوان یکی از موانع دست‌یابی به توسعه پایدار شهری، می‌توان این مسئله را از جوانب گوناگون مورد بحث قرار داد؛ مواردی چون هویت‌بخشی به بافت شهری، ایجاد فضایی برای تعاملات اجتماعی، خاطره‌انگیزی فضا، پذیرش عملکرد جانبی فضای سبز شهری و این موارد می‌تواند، گورستان را به عنوان یک فضای شهری و نیز در قالب یک منظر فرهنگی مطرح کرده و نقش و اهمیت آن را در نیل به سوی هدف نهایی شهر پایدار آشکار کند.

بر این اساس مطالعه‌ای در مورد جایگاه فرهنگی و اجتماعی گورستان در شهرهای ایران انجام گرفت و نتیجه به دست آمده حاکی از این بود که آرامستان‌ها باری از فرهنگ و تاریخ در نسل‌های گذشته را برای نسل امروز، و فرهنگ و زندگی نسل امروز، را برای نسل آینده به همراه داشته و به عنوان یک منظر فرهنگی در شهرها مطرح است. به علاوه این جایگاه و جذب مخاطب در آنها، فضای آرامستان‌ها را به داشتن جایگاهی اجتماعی نیز ارتقا می‌دهد؛ بنابراین تنزل جایگاه آن در طراحی شهری در حد خدمات شهری نظیر مراکز دفن زباله و از این دست عملکردها، جایز به نظر نمی‌رسد.

لذا هدف از نگارش این مقاله، ارائه پیشنهاداتی برای ارتقای جایگاه اجتماعی و فرهنگی آرامستان‌ها در شهرهای امروز ایران به سوی تقویت جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار بود.

بر این مینا، و با مطالعه دستور کار ۲۱ به عنوان رهنمونی برای دست‌یابی به توسعه پایدار، به سه جنبه زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی توسعه پایدار پرداخته شد و نقصان آن در عدم توجه به امر فرهنگ و تنوع فرهنگی در توسعه پایدار، مورد توجه قرار گرفت. لذا برای جبران آن، راهکارهای بیانیه یونسکو در ارتباط با تنوع فرهنگی نیز مد نظر قرار گرفته و تحلیل و بررسی شد.

در ادامه و طبق مطالعات انجام‌شده برای ارائه راهبردهایی جهت ارتقای جایگاه فضای گورستان در جوانب اجتماعی و اقتصادی توسعه پایدار، به طور کلی می‌توان پیشنهاد ترکیبی از چهار برنامه را مطرح کرد: بازبانی، احیا و ارتقای کیفی گورستان‌های تاریخی موجود، گسترش این گورستان‌ها بنا به موقعیت و کاربری‌ها در بافت اطراف آنها در کنار ایجاد گورستان‌های جدید در داخل شهر و موقعیت‌های مکانی و فضایی مناسب و در نهایت بهره‌گیری از گورستان‌ها به منزله فضای سبز شهری.

گفته می‌شود که در برنامه‌ریزی و عملکرد در قالب هریک از این چهار برنامه، توجه به جوانب گوناگون فضای گورستان ضروری است. سنجیدن و عملکرد بهینه در شرایط ویژه هریک از این چهار برنامه، از جمله توجه به عملکرد منحصر به فرد گورستان، نقش هویت‌بخشی آن، دسترسی مناسب برای این فضا در شهر و به طور کلی مد نظر قرار دادن بافت شهری اطراف آن نیز ضروری به نظر می‌رسد.

قابل ذکر است که در این مقاله رویکردی کلی به گورستان‌ها در شهرهای مختلف ایران مدنظر بود و بدیهی است که در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای هر شهر و هر آرامستان، نیازمند مطالعه و سنجش شرایط خاص آنها است که در آینده نیاز به تحقیق و بررسی دارد.

در نهایت با مد نظر داشتن راهبردهای پیشنهادی این مقاله و مطالعه و سنجش مناسب در اخذ تصمیم‌گیری‌های آتی می‌توان در تقویت و بهبود عملکرد گورستان‌ها در مطابقت با راهبردهای دستور کار ۲۱ و بیانیه یونسکو در رابطه با تنوع فرهنگی، در قالب کلی رهیافتن به سوی توسعه شهری پایدار در ایران گام برداشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. به عنوان نمونه در مطالعه کلان‌شهر تهران، دیده می‌شود که با منح تدفین در اکثر گورستان‌های داخل شهر در دهه ۱۳۷۰ و انحصار تدفین در بهشت زهرا، ۱۴۰ گورستان در محدوده قانونی شهر تهران سرنوشت‌های گوناگونی یافته است؛ برخی به طور کامل از بین رفته و در جای آنها پارک یا بنایی عام‌المنفعه همچون بیمارستان ساخته شده (مانند بیمارستان شهدا که جایگزین گورستان حصاربوعلی تجریش شده است)، برخی که تدفین در آنها متوقف شده و سال‌های زیادی از آخرین تدفین در آنها می‌گذرد، مقابر آنها حفظ شده و فضای گورستان جهت مراسم خاص در روزهای خاصی از سال فعال است (مانند گورستان دارآباد)، گورستان‌هایی که در حال حاضر تدفین در آنها به صورت محدود و غیرقانونی صورت می‌گیرد، اما با نفوذهای خاص (مانند گورستان یافت‌آباد)، گورستان‌هایی که محل دفن بزرگان و مشاهیر است (به عنوان مثال گورستان ظهیرالدوله)، و در نهایت گورستان‌های متعلق به اقلیت‌های مذهبی در امتداد جاده خاوران همچنان که فعال است [وزیری‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۸].

۲. ر.ک. به فصلنامه اندیشه ایران‌شهر. سال چهارم، شماره سیزده، بهار و تابستان ۱۳۸۸.

۳. اتیمولوژی گور و کلمات وابسته :

گور در لغت‌نامه دهخدا "به معنی قبر باشد، و آن جایی است که مرده‌ی آدمی را در آن بگذارند. قبر معرب گور است". در بررسی واژه‌های مرتبط با گور در دامنه‌ی واژه‌شناسی اسلامی، گریان در کتاب خود، ایران از آغاز تا اسلام، بر این است که واژه‌ی قبر ممکن است به عنوان واژه‌ای کاملاً معادل گور گرفته شود که در این مفهوم می‌تواند هم به معنای ساختمان باشد و هم معنی قبر را بدهد که صرف‌نظر از این ابهام دارای معنای اضافی نیست. به همین نحو مرقد و معادل فارسی آن خوابگاه، مکانی برای استراحت یا خواب است. هرچند که این تعبیر تا حدی شاعرانه ولی ملایم و لطیف است. در حالی که مدفن (مکان تدفین) محققاً عاری از لطافت و فاقد مضمون نمادین است [گریان، ۱۳۸۴: ۲۵۶]. به نظر می‌رسد گورستان یا قبرستان نیز محلی برای دفن اجساد است.

قبره (در لغت‌نامه دهخدا: بنای گرد برآورده چون گنبد) مورد روشنی است از واژه‌ای که بسته به جایگاهش در سیاق عبارات معانی گوناگون را تداعی می‌کند؛ به آرامگاه از وجه شاخص آن یعنی گنبد اشاره می‌شود؛ قصر، نظیر کلمه فارسی آن کاخ، دورنمای قدری وسیع‌تر را می‌گشاید، چون به مفهوم کاخ یا دژ است [دورانت، ۱۳۷۲: ۲۲۰]. آستانه، واژه‌ای است که حکایت از تواضع فوق‌العاده دارد؛ خصوصاً هنگامی که در مورد زیارتگاه‌های شیعه به کار می‌رود. مزار و زیارت از ریشه کلمه عربی «زیاره» مشتق می‌شود که به معنی زیارت کردن است. مشهد، موردی مشابه را نشان می‌دهد، این واژه از کلمه شهاده به معنی گواهی ایمان به اسلام است. و بدین قرار، مشهد به معنی محل دفن شهید است. واژه روضه در این وادی به معنای باغ در زبان عربی است که آشکارا اشاره‌ای نمادین است به بهشت برین و به طور غیر مستقیم اشاره‌ای بر پرهیزکاری صاحب آرامگاه است. در همین سیاق، مقابر می‌تواند به عنوان معطر یا منور توصیف شود [دورانت، ۱۳۷۲: ۲۷۳].

۴. در تعریف منظر فرهنگی می‌توان گفت: "منظر فرهنگی، حوزه‌ای جغرافیایی است که منابع طبیعی و فرهنگی را در اشتراک با رویدادهای تاریخی، فعالیت‌ها و افراد در برمی‌گیرد" [فیضی و رزاقی‌اصل، ۱۳۸۸: ۲۰].

۵. United Nations Conference on Environment & Development, Rio de Janerio, Brazil, 3 to 14 June 1992, AGENDA 21
United Nations Permanent Forum. ۶

The UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity, Adopted by 31st session of the General Conference of UNESCO (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization), 2 November 2001.

Edward Taylor(1832-1917 ۸

Kroeber and Kluckhohn, 1952, p 25 ۹

Kroeber and Kluckhohn, 1952, pp 30-57. ۱۰

Père-Lachaise Cemetery, Paris, France. ۱۱

۱۲. بیانیه یونسکو در رابطه با تنوع فرهنگی در ۱۲ بند ارائه شده است [The UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversit, 2001]:

بند ۱- تنوع فرهنگی: میراث مشترک بشریت / بند ۲- از تنوع فرهنگی به چندگانگی فرهنگی / بند ۳- تنوع فرهنگی به عنوان عاملی در توسعه / بند ۴- حقوق بشر به عنوان ضمانت‌هایی بر تنوع فرهنگی / بند ۵- حقوق فرهنگی به عنوان محیط فعالیت برای تنوع فرهنگی / بند ۶- به سوی دسترسی همگان به تنوع فرهنگی / بند ۷- میراث فرهنگی به عنوان سرچشمه‌ی خلاقیت / بند ۸- اجناس و خدمات فرهنگی: کالاهایی منحصر به فرد / بند ۹- سیاست‌های فرهنگی به عنوان کاتالیزورهای خلاقیت / بند ۱۰- تقویت ظرفیت‌ها برای خلاقیت و انتشار در عرصه جهانی / بند ۱۱- ایجاد مشارکت بین بخش عمومی، بخش خصوصی و اجتماع شهروندی / بند ۱۲- نقش یونسکو

۱۳. جزایر گرمایی شهری (Urban Heat Island) از تأثیرات سوء الگوهای توسعه شهری ناپایدار است، و عبارت است از حالتی که قسمت‌های مرکزی شهر به دلیل استفاده از مصالح و سطوح سخت و جذب گرما، گرم‌تر از روستاهای حومه است [Gartland, 2008: 15].

۱۴. باغ مزارها نمونه‌ای از باغ ایرانی است که با حفظ بن مایه اصلی خود، به عنوان مکانی برای دفن تعدادی از بزرگان مورد استفاده قرار می‌گرفت [ویلبر، ۱۳۸۳: ۲۴۰].

فهرست منابع

- اسمعیلی، شبنم‌السادات. ۱۳۸۸ الف. **گورستان، دور یا نزدیک؟**، فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۵۸-۶۲.
- اسمعیلی، شبنم‌السادات. ۱۳۸۸ ب. **ما و گورستان، نگاهی بر فضای گورستان از منظر انسان‌شناسی مکان**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۳۱-۳۴.
- آقاجان بیگلر، عماد. ۱۳۸۸ الف. **بررسی گورستان از منظرهای متفاوت شهرسازی**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۵۴-۵۸.
- آقاجان بیگلر، عماد. ۱۳۸۸ ب. **گورستان در هزاره سوم**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۱۱۸-۱۲۲.
- اندرودی، مهرداد. ۱۳۸۸. **حفظ محیط زیست، آخرین بهانه شهرسازان علم‌گرا برای اجتناب از ساخت گورستان محلی**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۱۳۵-۱۳۰.
- بحرینی، حسین. ۱۳۸۷. **مقایسه مفاهیم توسعه و توسعه پایدار: یک تحلیل نظری**. در مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار. زیر نظر بهناز امین‌زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۲۱-۷.
- تقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۷. **تأملی در رابطه با پایداری فرهنگی**. در مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار. زیر نظر بهناز امین‌زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۴۷-۲۱.
- حائری، محمدرضا. ۱۳۸۸. **گورستان: مکان پایان- مکان آغاز، مکان آخرت- مکان دنیا**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۳-۵.
- حاجی‌پور، خلیل. ۱۳۸۸. **طرح موضوعات پژوهشی (ایده‌ها)؛ پژوهش در حوزه شهر و گورستان**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۶۲-۶۴.
- حبیبی، سیدمحسن. ۱۳۸۲. **از شار تا شهر**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهارم.
- خدادادی کوچکسرابی، فرهاد. ۱۳۷۴. **آرامستان بزرگ‌رویان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: مهدی شبانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده معماری و شهرسازی.
- دورانت، ویلیام جیمز. ۱۳۷۲. **تاریخ تمدن**. جلد یک. ت: احمد آرام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ چهارم.
- دورانت، ویل، دورانت، آریل. ۱۳۶۹. **تاریخ تمدن**. ج ۱. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- صالحی حاجی آبادی، ا. ۱۳۸۲. **انسان از مرگ تا برزخ**. تهران: انتشارات گل‌های بهشت.
- **طرح بهسازی و نوسازی مجموعه تخت فولاد**. حوزه معاونت شهرداری. ۶۵-۷۵.
- عدالت‌نژاد، حجت الاسلام. ۱۳۸۸. **گورستان از منظر شرع**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۲۰-۱۶.
- فرهادی‌پور، احمد. ۱۳۸۸. **راهبردهای مکان‌یابی گورستان در شهرهای کشور**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۴۸-۵۴.
- فلاح‌پسند، علی. ۱۳۸۸. **مروری بر موضوع گورستان از منظر شهرشناسی و اقتصاد سیاسی**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۱۶-۸.
- فیضی، محسن و رزاقی‌اصل، سینا. ۱۳۸۸. **گورستان‌ها به مثابه مناظر فرهنگی**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۲۴-۲۰.
- کازرونی، فرشاد. ۱۳۸۷. **منظر آرامستانی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: مهدی شبانی و لادن اعتضادی. دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده معماری و شهرسازی.
- کاشیگر، مدیا. ۱۳۸۲. **معماری مرگ**. زیباشناخت، مطالعات نظری و فلسفی هنر. شماره نهم. ۱۰۹-۱۰۱.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۶۸. **شهرهای ایران**. تهران: چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گروت، لیندا- وانگ، دیوید. ۱۳۸۶. **روش‌های تحقیق در معماری**. چاپ دوم. ت: علیرضا عینی‌فر. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- گری گوری، راب. ۱۳۸۴. **خاکستر به خاکستر**. ت: اکبر برزه گر مولان. مجله معماری و فرهنگ. شماره ۲۱. ۵۵-۵۲.
- گریشمن، رومن. ۱۳۸۴. **ایران از آغاز تا اسلام**. ت: محمد معین. تهران: نشر معین.
- مخدوم، مجید. ۱۳۸۷. **آمایش سرزمین، ابزار توسعه پایدار**. در مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار. زیر نظر بهناز امین‌زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۴۷-۶۱.
- موسوی فریدونی، محمد علی. ۱۳۷۷. **تخت فولاد**. مجله معماری و شهرسازی. شماره ۴۲-۴۳. ۱۲۲-۱۱۸.
- میرشاهزاده، شروین. ۱۳۸۸. **بهسازی گورستان‌های تاریخی در ایران**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۴۸-۳۴.

- نعیماء، غلامرضا. ۱۳۸۵. **باغ‌های ایران**. تهران: انتشارات پیام.
- هوشنگ پور، کریم. ۱۳۴۲. **سنگ‌مزارهای ایران**. مجله هنر و مردم، شماره ۱۲. ۲۹.
- هیلن براند، رابرت. ۱۳۸۳. **معماری اسلامی**. ت: ایرج اعتصام. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- وزیریزاده، علیرضا. ۱۳۸۸. **سیر تحول تاریخی گورستان‌های شهر تهران**. فصلنامه اندیشه ایرانشهر. سال چهارم. شماره سیزده. بهار و تابستان. ۶۴-۷۲.
- ویلبر، دونالد. ۱۳۸۳. **باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن**. ت: مهین دخت صبا. تهران: شرکت انتشارات علمی و هنری.
- یآوری، احمدرضا. ۱۳۸۷. **جایگاه تکنولوژی و محیط زیست در توسعه پایدار شهری**. در مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار. زیر نظر بهناز امین‌زاده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۷۷-۶۱.

- Agenda 21, 3 to 14 June 1992, United Nations Conference on Environment & Development, Rio de Janeiro, Brazil.
- Colman, P. (1997). *Corpse, Coffins and Crypts: A History of Burial*. New York: Henry Holt and Company, Inc.
- Gartland, L. (2008). *Heat Islands: Understanding and Mitigating Heat in Urban Areas*, Earthscan Publications Ltd.
- Kroeber, A. L. and C. Kluckhohn. (1999). *Culture: A Critical Review of Concepts and Definitions*, Greenwood Press Publications.
- Stivers, R. (1976) *The Sustainable Society: Ethics and Economic Growth*, Philadelphia: Westminster Press.